
خوارج را بشناسیم
(2)
الله مولانا
ولا مولى لكم

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمدلله الکبیر المتعال و الصلاة و السلام علی النبی الضحوک القتال و علی اصحابه الکرام و الال، اما بعد:

اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا عبده و رسوله و صفیه و خلیله، بلغ الرسالة و ادی الأمانة و نصح الأمة و جاهد فی الله حق جهاده و ترکنا علی المحجة البیضاء لیلها کنهارها لا یزیغ عنها الا هالک و لا یتنکبها الا ضال و لایرغب عنها الا من سفه نفسه و لا یکفر بها الا المرتد، اللهم من احییته منا فأحیه علی الاسلام و من توفیته منا فتوفه علی الایمان.

اما بعد؛ برادران و خواهران ایمانی!

این مقاله ترجمه ی متن عقیده دولت اسلامی به عنوان: "هذه عقیدتنا و هذا منهجنا" می باشد که توسط انتشارات "مکتبة الهمة " که انتشارات اصلی و رسمی دولت اسلامی می باشد، پخش و منتشر شده است، می توانید متن عربی آن را در مواقع و سایت های رسمی دولت اسلامی بر روی اینترنت بیابید.

هر آنچه در متن این عقیده امده است به عنوان عقیده و منهج دولت اسلامی است و کسی نمی تواند چیزی خارج از آن را به دولت اسلامی نسبت داده و به تبع آن مجاهدان و بزرگانش را خوارج بداند!

هر کسی که به اندازه نوک قلم علم و عدالت داشته باشد بعد از تفقه و تدبر در عقیده دولت اسلامی می داند که دوری بین عقیده و منهج دولت اسلامی با عقیده خوارج، مانند دوری بین مغرب و مشرق است!

برای تک تک بندهای این متن عقیده، از قرآن و سنت و کلام علمای اهل سنت و جماعت دلیل وجود دارد و هر کسی که طالب دلیل باشد به کتب شیخ الاسلام ابن تیمیة و شاگردش امام ابن القیم و کتب امام محمد بن عبدالوهاب و فرزندان و شاگردانش رجوع کند.

شیخ الا سلام ابن تیمیة رحمة الله علیه می فرماید: {وَالْكَلَامُ فِي النَّاسِ يَجِبُ أَنْ يَكُونَ بِعِلْمٍ وَعَدْلٍ، لَا بِجَهْلٍ وَظُلْمٍ، كَحَالِ أَهْلِ الْبِدَعِ}: سخن در مورد مردم باید از روی علم و انصاف باشد نه از روی جهل و بی انصافی همانند اهل بدعت. {منهاج السنة النبوية 337/4}

پس سعی کنیم جانب علم و انصاف را در مورد مجاهدین دولت اسلامی رعایت کنیم و در حق آنها ظلم نکرده و ندانسته در مورد آنها قضاوت نکنیم.

وآخر دعوانا ان الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و علی آله و سلم.

متن عقیده و منهج دولت اسلامی

الحمدلله و الصلاة و السلام علی رسول الله و علی اله و صحبه و من والاه،

اما بعد؛

1) ما ایمان داریم؛ که الله جل جلاله؛هیچ إله بحقی به غیر او وجود ندارد و هیچ معبود بحق به غیر از او نیست، برایش هر چه که کلمه ی توحید اثبات میکند، اثبات میکنیم و او را از هر شریک و همتایی منزه و پاک میدانیم.

و شهادت میدهیم: هیچ معبود بحقی به غیر از او وجود ندارد، یکتاست و هیچ شریکی ندارد،و این موضوع اول و اخر دین است و ظاهر و باطنش می باشد.

هرکس ان را بگوید و به شروطش پایبند باشد و حقوقش را به جای اورد پس او مسلمان است و هرکسی که شروطش را به جای نیاورد

و یا مرتکب یکی از نواقض ان بگردد، پس او در این حالت کافر است هرچند که ادعای اسلام نماید.

2) و ایمان داریم؛ الله متعال، خالق حقیقی و تدبیرکننده ی امورات است و پادشاهی و ملک اسمانها و زمین لایق اوست، همه ی ستایش شایسته ی بوده و او بر هرچیزی تواناست.

و او اول و اخر و ظاهر و باطن است، و (لیس کمثله شیء و هوالسمیع البصیر؛هیچ چیزی همانند او نیست و او شنوا و بیناست).

در اسماء و صفاتش الحاد و کج روی نمی کنیم بلکه اسماء و صفاتش را همانطوریکه در کتاب الله و سنت صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم آمده است اثبات می کنیم، بدون جستجوی کیفیت ان و بدون تمثیل و تاویل و بدون اینکه انها را تعطیل سازیم.

3) وایمان داریم؛ محمد صلی الله علیه وسلم، رسول و فرستاده الله بوده وپیامبری است به سوی تمامی مردم، برای انس و جن، و پیروی و اتباع او واجب بوده و اطاعت کردن از ایشان در هر چیزی که امر کرده، لازم می باشد و در مقابل هر چیزی که خبر داده است، تصدیقش واجب است و باید در مقابل گفته هایش تسلیم شده و به مقتضای این قول الله عمل نمائیم که می فرماید؛

(فلا و ربک لا یؤمنون حتی یحکموک فیما شجر بینهم ثم لا یجدوا في انفسهم حرجا مما قضیت و یسلموا تسلیما)؛قسم به پروردگارت اینان مؤمن نمی گردند تا اینکه تو را در انچه که بینشان اختلاف شده است، داور و قاضی قرار دهند و سپس در دل های خود هیچ ناراحتی و حرجی نسبت به قضاوت تو پیدا نکنند و بلکه در مقابل رای تو تسلیم محض گردند.(النساء/65)

4) وایمان داریم؛ به ملائکه بزرگوار الله تعالی و اینکه ملائکه در انچه که الله به انها امر می کند، سر پیچی نمی کنند بلکه به هر انچه که امر می شوند، عمل می نمایند.

و ایمان داریم به اینکه محبت ملائکه جزو ایمان است و بغض و کینه داشتن نسبت به ملائکه از کفر است.

5) وایمان داریم؛ قران کلام الله است، هم حروفش و هم معانی اش.

وایمان داریم بر اینکه قران صفتی از صفات الله تعالی بوده و مخلوق نمی باشد، برای همین بزرگداشت قران را واجب و پیروی از ان را لازم و تحکیمش را فرض می دانیم.

6) و ایمان داریم؛ به همگی انبیای الهی و رسولان بزرگوار الله متعال.

اول انها، آدم علیه السلام و آخر آنها، محمد صلی الله علیه وسلم می باشد، همگی انبیاء با همدیگر برادران صمیمی بودند که برای ابلاغ توحید رب العالمین مبعوث گشته بودند.

7) و ایمان داریم؛ سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم همان وحی دوم بوده و بیانگر و مفسر قران می باشد.

و هرچه از سنت که سندش صحیح باشد قبول می کنیم و قول مخالف آن را از هرکس که باشد قبول نمی کنیم.

از هر بدعتی، بزرگ باشد یا کوچک، اجتناب می کنیم.

و محبت پیامبرمان را فریضه و واجب و موجب نزدیکی به الله عزوجل می دانیم و بغض و کینه نسبت به ایشان را کفر و نفاق می پنداریم.

و به خاطر همین محبتمان نسبت به رسول الله صلی الله علیه وسلم، اهل بیتش را دوست داریم و مورد احترام و توقیر قرار می دهیم و در موردشان غلو و افراط نمی کنیم و به آنها بهتان و افتراء نمی زنیم.

اعلان رضایت از همگی صحابه کرده و معتقدیم که همه صحابه رضی الله عنهم عادل و مورد قبول الهی اند و به غیر از خیر چیزی در موردشان نمی گوئیم.

حبّ صحابه بر ما واجب است و بغض و کینه نسبت به انها، نزد ما نفاق محسوب می گردد.

در مورد اختلافات بین صحابه سکوت کرده و میگوئیم که آنها تأویل داشتند و بهترین مردمان تاریخ می باشند.

8) وایمان داریم؛ به قدر، خیر و شرّش.

همگی از سوی الله عزوجل است، و اینکه الله مشیئت عام دارد و اراده اش مطلق می باشد.

و هرچه که بخواهد، هرچند که مردم نخواهند،وقوع می یابد و هرچه که نخواهد وقوع پیدا نمی کند.

بنده ها بعد از اذن و اجازه الله تعالی اختیار انجام دادن فعل خود را دارند و قضاء ایشان نیز خارج از رحمت و فضل و عدلش نیست!

9) و ایمان داریم؛ به این که عذاب و نعمت قبر حق است.

وهرکسی را که بخواهد اگر مستحق عذاب باشد،عذاب می دهد و اگر بخواهد او را عفو می کند.

و ایمان داریم به این که منکر و نکیر در قبر از بنده سؤال خواهند پرسید، همانطوریکه درحدیث صحیح وارد شده است، والله متعال در این مورد می فرماید:(يثبت الله الذين ءامنوا بالقول الثابت في الحياة الدنيا و في الاخرة و يضل الله الظالمين):خداوند مؤمنان را به خاطر گفتار استوارشان هم در این دنیا و هم در اخرت ماندگار می دارد و خداوند هرچه بخواهد انجام می دهد. (سوره ابراهیم)

10) وایمان داریم؛ به این که بعد از مرگ از قبر بلند خواهیم شد و ایمان داریم به برپایی روز قیامت.

و ایمان داریم به عرضه شدن اعمال و بندگان به الله عزوجل.

و ایمان داریم به روز حساب و میزان و حوض و صراط.

و ایمان داریم به این که بهشت حق است و جهنم حق نیز است.

11) و ایمان داریم؛ به انچه که از نشانه های قیامت در احادیث صحیح امده است.

وایمان داریم به این که بزرگ ترین فتنه ای که از زمان ادم علیه السلام تا قیامت قرار است اتفاق بیافتد، فتنه ی دجّال است.

و ایمان داریم به نزول عیسی علیه السلام از آسمان برای بر پایی عدالت.

و ایمان داریم به بازگشت خلافت راشده بر اساس منهاج نبوت.

12) و ایمان داریم؛ به اینکه الله متعال دسته ای از مؤمنان را از آتش جهنم بیرون می کند با شفاعت شفاعت کنندگان.

و شفاعت حق است برای کسی که الله به او اجازه داده باشد و از او راضی باشد.

13) و ایمان به شفاعت پیامبرمان صلی الله علیه وسلم داریم و اینکه روز قیامت مقام محمود از آن ایشان می باشد.

14) و اینکه ایمان قول و عمل و نیت است، به طوری که اعتقاد با قلب و اقرار با زبان و عمل جوارح و اعضا را شامل می شود و جدای از همدیگر نمی باشند.

و اعتقاد قلب همان قول و فعل قلب می باشد.

قول قلب عبارت است از:معرفت و علم و تصدیق.

و از اعمال قلب نیز می توان به: محبت و خوف و امید اشاره نمود.

واینکه ایمان با انجام دادن طاعت و نیکی ها زیاد گشته و با انجام دادن گناهان و معاصی کم می گردد.

و همانطوری که رسول الله صلی الله علیه وسلم اشاره کرده است، ایمان شعبه های متفاوتی دارد، بالاترین شعبه اش لا اله الا الله است و پائین ترین آن زدودن اذیت از راه می باشد.

دسته ای از شعب ایمان، جزو اصل ایمان می باشد که با زوال یکی از آنها، اصل ایمان نیز زوال پیدا می کند و از بین می رود همانند شعبه توحید (لا اله الا الله و محمد رسول الله) و همچنین شعبه نماز و همانند آن که شریعت فرموده است با ترک ان اصل ایمان از بین می رود.

بعضی از شبعه های ایمان نیز جزو واجبات است و با زوالشان ایمان واجب ناقص می گردد، همانند زنا و نوشیدن شراب و دزدی و همانندشان.

15) و کسی از اهل توحید و یا از کسانی که به سوی قبله ی مسلمین نماز می خوانند را به خاطر گناهانی همچون زنا و نوشیدن شراب و دزدی کردن، تکفیر نمی کنیم! مادامیکه این گناهان را حلال ندانند.

گفته ی ما در مورد ایمان، یک گفته ی میانه و وسط است بین خوارج اهل غلو و بین مرجئه های اهل تفریط.

16) و اینکه کفر دو نوع است: اکبر و اصغر.

واینکه حکم کفر بر مرتکب ان از لحاظ اعتقاد و یا قول ویا عمل وقوع می یابد.

ولی تکیفرمعین یک شخص و حکم خلود او در جهنم، بستگی دارد به ثبوت شروط تکفیر و انتفاء موانع آن،چرا که ما نصوص وعد و وعید و تکفیر و تفسیق را به صورت مطلق بیان می کنیم ولی حکم دخول معین در این حکم عام را نمی دهیم تا اینکه مقتضای دخول او بدون هیچ مانعی، فراهم گردد و اینکه ما بر اساس ظن و گمان و مآلات و لازم قول تکفیر نمی کنیم.

17) وهر کسی را که الله و رسولش اورا تکفیرکرده اند و هرکسی را که به دینی غیر از اسلام دارد، تکفیر می کنیم، چه حجت به او ابلاغ شده باشد، چه ابلاغ نشده باشد.

اما عذاب اخرت به او نمی رسد تا اینکه اقامه ی حجت گردد، چرا که الله متعال می فرماید:

(وما كنا معذبين حتى نبعث رسولا؛ ما هیچ قومی را عذاب نمی دهیم تا اینکه برایشان رسولی بفرستیم). (سوره اسراء)

18) و هرکسی را که نطق به شهادتین می کند و اسلامش را برای ما ظاهر کرده است و مرتکب هیچ ناقضی از نواقض دین نشده است را مسلمان می دانیم و با او به عنوان یک مسلمان تعامل می کنیم و باطن اورا به الله عزوجل می سپاریم، چرا که هرکس شعائر دین را برای ما اظهار کند، احکام اهل دین بر او جاری می گردد چون امور مردم بستگی به ظاهر آنها دارد و باطن انهار را الله متعال می داند.

19) شیعه های رافضه را طائفه شرک و رده و حرابة می دانیم.

20) و معتقدیم؛ هر دیاری که شعائر کفری در آن منتشر گردد و احکام کفر بر آن تسلط پیدا کند، آن دیار، دیار کفر است و از این

احکام اینگونه برداشت نشود که ما ساکنان این دیار را تکفیر می کنیم.

ما همانند قول اهل غلو را نمی گوئیم که می گویند: (الاصل فی الناس الکفر مطلقا)؛ اصل بر مردم به طورمطلق کفر است، بلکه مردم براساس حال و اعتقادشان می باشند، دسته ای مسلمان می باشند و دسته ای هم کافر هستند.

21) و ایمان داریم؛ علمانیت (سوسیالیسم) با تمامی انواع و تعداد شاخه هایی که دارد همانند: ملی گرایی، وطن گرایی، کمونیستی و بعثی، همگی کفر آشکار و نقض کننده ی اسلام بوده و شخص را از دین خارج می کند!

22)و اصول استدلال در نزد ما ؛ کتاب الله و سنت رسول الله صلی الله علیه وسلم به فهم سلف صالح امت یعنی سه قرن مبارک اول، می باشد.

23) و نماز خواندن را پشت هر مسلمانی، خوب و بد و همچنین مستورالحال؛جایز می دانیم.

24) جهاد تا قیام قیامت ادامه دارد؛ چه امام و خلیفه وجود داشته باشد چه وجود نداشته باشد و چه امام ظالم باشد و چه امام عادل و نیکوکار باشد.

و اگر امام و خلیفه ای هم وجود نداشته باشد، جهاد نباید به تاخیر افتد، چرا که مصلحت جهاد با به تاخیر انداختن ان،از بین می رود.

واگر غنیمتی هم به دست اوردند، براساس احکام شرع ان را تقسیم کنند.

و شایسته است برای هر مؤمنی که با دشمنان الله جهاد کند،هرچند که تنها باشد!

25) خون و ناموس و مال مسلمانان نزد ما حرام است و هیچ چیز ان مباح نمی گردد مگر انچیزی که شرع آن را مباح کرده و رسول الله صلی الله علیه وسلم ان را بر هدر دانسته باشد.

26) و اگر دشمن تجاوزگری از کفار بر محدوده و حرمات مسلمین هجوم اورد، در این هنگام جهاد کردن با آنها برای مسلمین فرض عین است و هیچ شرطی ندارد، بلکه این دشمن بر حسب امکان دور کرده می شود چرا که بعد از ایمان هیچ چیز واجبتر از دور کردن و دفع دشمن متجاوز که دین و دنیا را به فساد می کشاند وجود ندارد.

27) و کفر رده غلیظ تر از کفر اصلی است.

برای همین است نزد ما قتال با مرتدین اولی و شایسته تر از قتال با کفار اصلی است.

28) امامت و امارت برای یک کافر قرار داده نمی شود و اگر برای حاکم کفری رخ داد، از حاکم و والی بودن افتاده و اطاعت کردن از او ساقط می گردد و در این حالت بر مسلمانان اگر امکانش باشد، قیام علیه او و خلع کردن او و جایگزین کردن یک حاکم عادل و مسلمان به جای او،واجب می گردد.

29) و اقامه و برپایی دین با قران هدایت گر و شمشیر یاری دهنده می باشد، برای همین جهاد ما هم با شمشیر است و هم با حجت و بیان.

30) و هرکسی که به سوی دینی غیر از دین اسلام دعوت دهد و یا به دین ما توهین کند و یا شمشیر علیه ما بردارد و با من بجنگد،دشمن خود می دانیم و اورا محارب علیه خود می پنداریم.

31) تفرقه و اختلافات را کنار گذاشته و دعوت به سوی جمع کلمه و اتحاد می دهیم.

و برای برپایی خلافت اسلامی سعی و تلاش می کنیم چراکه اقامه ی خلافت اسلامی، فرض کفایه برای تمامی مسلمین است و اگر دسته ای ان را بر پا کردند، از دیگران ساقط می گردد.

و ایمان داریم که سمع و طاعت داشتن از امامی که اهل حل و عقد با او بیعت کرده اند واجب است و خارج شدن از اطاعت او حرام می باشد و در این موضوع هیچ اختلافی بین علماء وجود ندارد.

و هرکسی علیه امام خروج کند، دعوت و پند داده می شود و اگر از خروجش بر نگشت، با او جنگیده می شود تا اینکه از خروجش برگردد.

و هرکسی بدون اینکه بیعت به خلیفه داشته باشد بمیرد (در حالیکه استطاعتش را داشته است!)، مرگ او به صورت جاهلی صورت پذیرفته است.

32) و در مسائل اختلافی و اجتهادی، هیچ مسلمانی راگناه کار ندانسته و یا اورا هجر نمی کنیم.

33) اجتماع و اتحاد مسلمانان، خصوصا مجاهدان را زیر یک پرچم واجب می دانیم.

34) و مسلمانان یک امت واحده اند و در ان عرب هیچ فضیلتی بر عجم ندارد مگر با تقوی.

مسلمانان در خون و ذمه و پیمان همدیگر شریکند.

و ما نیز از اسمائی که الله متعال ان هارا بر ما نهاده است خارج نمی گردیم.

35) و اولیاء الله را دوست داشته و با انها موالات داریم و نصرتشان می دهیم و اعداء و دشمنان الله را دشمنی می کنیم و بغض انها را در دل داریم و هرکس را که قران و سنت و شریعت را قبول نداشته باشد خلعش کرده و اورا از بین برده و از او بیزاری جسته و تکفیرش می کنیم.

و در همه این مسائل بر اساس قران وسنت حرکت کرده و از راه های بدعت و گمراهی دوری و اجتناب می کنیم.

والحمدلله رب العالمین.

وصل الله و سلم علی محمد النبی الأمین.